

فرب مسکو توسط ترامپ

از همان ابتدا، مسکو تجاوز اسرائیل علیه ایران را با لحنی تند محکوم کرد. اولین بیانیه رسمی وزارت امور خارجه روسیه هیچ ابهامی در نسبت دادن تقصیر به تل آویو باقی نگذاشت. تا ۲۰ ژوئن، روسیه به این باور پایبند بود که می‌توان آتش‌بس برقرار کرد و واشنگتن از حمله مستقیم به ایران خودداری خواهد کرد. این خوش‌بینی ناشی از یک مکالمه تلفنی تقریباً یک ساعته در ۱۴ ژوئن بود که طی آن دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، و ولادیمیر پوتین، همتای روسی‌اش، در مورد تشدید درگیری اسرائیل و ایران بحث کردند. طبق گزارش‌ها، ترامپ در طول تماس تلفنی اظهار داشت: «این جنگ در اسرائیل و ایران باید پایان یابد.» یوری اوشاکوف، دستیار کرملین، گزارش داد که مذاکره‌کنندگان آمریکایی برای بازگشت به مذاکرات در مورد برنامه هسته‌ای ایران آماده هستند. برای مسکو، این صرفاً خوش‌بینی نبود - بلکه به‌عنوان یک پیش‌درآمد دیپلماتیک واقعی و یک کانال مخفی بالقوه برای ترامپ برای خنثی کردن فشارهای فزاینده داخلی و قانونی تعبیر می‌شد. این باور، موضع اولیه مسکو را شکل داد. حتی پس از آنکه تل آویو حملات غیرقانونی خود را به ایران آغاز کرد، روس‌ها از سرزنش مستقیم واشنگتن خودداری کردند. در عوض، آنها مسئولیت اصلی را متوجه کابینه‌راست‌افراطی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل دانستند و رهبری اسرائیل را محکوم کردند، درحالی‌که کانال‌های ارتباطی را باز نگه داشتند. پوتین در کنفرانس مطبوعاتی خود با رسانه‌های بین‌المللی در ۱۸ و ۱۹ ژوئن - که عمداً در اواخر شب برنامه‌ریزی شده بود تا توسط مخاطبان آمریکایی نیز پخش شود - بر ادامه ارتباط مستقیم با ترامپ و نتانیاهو تأکید کرد. او خاطرنشان کرد که این حملات تنها وحدت سیاسی داخلی ایران را تقویت کرده است و خاطرنشان کرد، بمب‌گذاری‌ها آسیب چندانی به زیرساخت‌های هسته‌ای تهران وارد نکرده است و گفت: «این کارخانه‌های زیرزمینی دست‌نخورده باقی مانده‌اند. هیچ اتفاقی برای آنها نیفتاده است.» پوتین همچنین روشن کرد که هنوز یک قطعنامه روی میز است: چارچوبی که بتواند حقوق هسته‌ای صلح‌آمیز ایران را تضمین کند و در عین حال به نگرانی‌های امنیتی اسرائیل نیز بپردازد و تأیید کرد که روسیه این گزینه‌ها را به هر سه طرف ارائه کرده است. پوتین در مجمع اقتصادی بین‌المللی سن‌پترزبورگ (SPIEF) -بزرگ‌ترین گردهمایی سالانه تجارت و دیپلماسی روسیه- رویکرد دیپلماتیک مسکو را تکرار کرد و خاطرنشان کرد که روسیه «ایده‌هایی» برای حل‌وفصل به همه طرف‌ها ارائه داده است. او همچنین با اشاره به ساخت‌وساز مداوم روسیه در تأسیسات هسته‌ای بوشهر، حمایت خود را از حق ایران برای توسعه صلح‌آمیز هسته‌ای مجدداً تأیید کرد. پوتین اظهار داشت که در خواست تضمین امنی برای پرسنل روسی در آنچا را کرده است و افزود: «نخست‌وزیر نتانیاهو با این موضوع موافقت کرده و رئیس‌جمهور ترامپ قول داده است که از خواسته‌های مشروع ما حمایت کند.» اما این ظاهرسازی تقریباً بلافاصله فرو ریخت. اندکی پس از آنکه اسرائیل ادعا کرد که نیروگاه بوشهر را هدف قرار داده است - و بعداً این بیانیه را پس گرفت و آن را «اشتباه» خواند -فروگاه بوشهر را بمباران کرد و ترمینال بین‌المللی آن را نابود کرد. این حمله، کمتر از ۳۶ ساعت پس از اطمینان‌بخشی‌های عمومی، در مسکو به‌عنوان یک تحقیر عمدی تلقی شد. این حمله هرگونه باور باقی‌مانده مبنی بر اینکه تل آویو با واشنگتن با حسن نیت عمل می‌کنند را زین برد. لحن مسکو تندتر شد. سخنرانی واسیلی بنینز، سفیر سازمان ملل متحد، در ۲۰ ژوئن، آخرین نمونه از خوش‌بینی دیپلماتیک را رقم زد: «ما متقاعد شده‌ایم که دستیابی به راه‌حلی که هم به حق ایران برای فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز احترام بگذارد، هم امنیت بی‌قید و شرط اسرائیل را تضمین کند، کاملاً امکان‌پذیر است. ما این گزینه‌ها را به همکاران آمریکایی و اسرائیلی خود، همچنین شرکای ایرانی خود منتقل کرده‌ایم.» همه چیز در ۲۲ ژوئن تغییر کرد. بمباران‌های ایالات‌متحده، آنچه را که بسیاری در مسکو از آن می‌ترسیدند، تأیید کرد: اینکه واشنگتن نه‌تنها تمایلی به میانجیگری ندارد، بلکه از پیشنهاد‌های روسیه به‌عنوان پوشش استراتژیک استفاده کرده است. تخیگان سیاسی روسیه شروع به صحبت‌های تند کردند. آندری کلیشاس، رئیس کمیته قانون اساسی در شورای فدراسیون، صریح بود: «جمهوری اسلامی مجبور خواهد شد به نقض حاکمیت و تجاوز علیه کشورش پاسخ دهد، زیرا حکومتی که نتواند از حاکمیت کشور خود دفاع کند، همیشه محکوم به‌فناست.»



آرمین منتظری

دبیر گروه بین‌الملل و دیپلماسی

دو روز از آتش‌بس میان ایران و اسرائیل گذشته است، اما به گواه همه ناظران این آتش‌بس می‌تواند بسیار شکننده باشد. حتی اگر فرض کنیم این آتش‌بس در هفته‌ها و ماه‌های آینده برقرار خواهد بود، لزوماً به این معنا نیست که نقض‌های موردی از سوی اسرائیل صورت نخواهد گرفت. نخست اینکه این رویه معمول اسرائیل درخصوص همه آتش‌بس‌ها بوده و دوم اینکه هنوز مجموعه‌ای از مسائل نشده باقی مانده است که راه برای از بین بردن آتش‌بس باز می‌گذارد.

روز ۲۳ ژوئن، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات‌متحده، در رسانه‌های اجتماعی اعلام کرد که ایران و اسرائیل با آتش‌بس توافق کرده‌اند و آتش‌بس قرار است از اوایل ۲۴ ژوئن به اجرا درآید. اگرچه وزیر امور خارجه ایران در ابتدا موافقت با آتش‌بس را تکذیب کرد و گفت، تنها زمانی حمله به اسرائیل متوقف می‌شود که حملات اسرائیل به ایران متوقف شود اما کمی بعد برخی رسانه‌ها از تحمیل آتش‌بس به اسرائیل خبر دادند. اسرائیل نیز به‌طور مشابه موافقت کرد که حملات به ایران را تا زمانی که ایران حملات خود را متوقف کند، متوقف خواهد کرد. پیش از مهلت آتش‌بس، اسرائیلی حملاتی علیه ایران صورت داد و ایران در پاسخ موشک‌هایی شلیک کرد که سه اسرائیلی را کشت و چندین نفر دیگر را زخمی کرد. اسرائیل همچنین مجموعه‌ای از حملات را علیه مناطق مختلف تهران انجام داد، علاوه بر اینکه طبق گزارش‌ها ۱۶ نفر را در استان گیلان در حملات اسرائیل به شهادت رسیدند. تنها چندساعت پس از اجرای آتش‌بس، اسرائیل ایران را به پرتاب دو موشک به سمت شمال اسرائیل متهم کرد که منجر به تلفات جانی نشد، ادعایی که ایران آن را رد کرده است. با این وجود، اسرائیل کاتز، وزیر دفاع اسرائیل، ادعا کرد که ایران با این حملات آتش‌بس را «کاملاً نقض» کرده و به ارتش اسرائیل دستور داد تا حملات به اهداف نظامی در ایران را از سر بگیرد. اینجا بود که ترامپ به‌سرعت وارد عمل شد و علناً به اسرائیل در مورد تلافی هشدار داد و پس از تماس بین بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، و ترامپ، اسرائیل تصمیم گرفت تنها حمله‌ای کوچک به یک سیستم راداری در شمال ایران صورت دهد.

ترامپ پس از اعلام آتش‌بس، که به ادعای او هر دو کشور آن را نقض کرده‌اند، از اقدامات اسرائیل و ایران انتقاد کرد. ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران در ۲۴ ژوئن گفت: «من از این واقعیت که اسرائیل بلافاصله پس از توافق، از مواضع خود عقب‌نشینی کرد، خوشم نیامد.» با این حال، او نگفت که آتش‌بس کاملاً از بین رفته است. در چند روز گذشته، ایران و اسرائیل تمایل خود را برای کاهش تنش در منازعه نشان داده‌اند، و هر دو طرف با فشار قابل‌توجهی از سوی ایالات‌متحده روبه‌رو شدند. در ۲۳ ژوئن، منابع رسانه‌ای اسرائیل گفته بودند



دیوید رمنیک

خبرنگار نیویورکر

چند روز بعد از حملات حماس در هفتم اکتبر ۲۰۲۳، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل از پذیرش علنی هرگونه مسئولیتی در برابر شکست بزرگ امنیتی طفره رفت. او اغلب از شرکت در مراسم یادبود کشته‌شدگان اجتناب کرده و به‌ندرت با خانواده‌های گروگان‌های اسرائیلی که مدت‌هاست در تونل‌های غزه گرفتار شده‌اند، دیدار کرده است.

در دوران نخست‌وزیران پیشین اسرائیل، لغزش‌های آشکار در استراتژی اطلاعاتی و نظامی خیلی سریع به برگ‌زاری دادگاه‌ها و نتایج بزرگی ختم شده است. در اکتبر ۱۹۷۳، نیروهای مصری و سوری، اسرائیل را در شبه‌جزیره سینا و بلندی‌های جولان غافلگیر کردند و اسرائیل به مدت چندروز در معرض خطرات عمیقی قرار گرفت. در عرض چند هفته پس از پایان حملات که به جنگ یوم کیپور شناخته می‌شود، یک کمیسیون تحقیقاتی به‌رهبری شیمون آگرانات، رئیس وقت دیوان عالی اسرائیل برای بررسی اشتباهات محاسباتی و نظارتی که منجر به این بحران شد، شاهدان را به دادگاه کشاند. یافته‌های آنها در نهایت به استعفا ی گولدا مایر، نخست‌وزیر، و موشه دایان، وزیر دفاع شد.

در مقابل، حتی با اینکه اعضای اصلی ارتش و نهاد دفاعی نتانیاهو استعفا دادند یا از نقش خود در تراژدی هفتم اکتبر عذرخواهی

بین‌الملل

INTERNATIONAL

آتش‌بس به شش

چرا باید هوشیار بود و به آتش

برگشت‌ناپذیر نابود نکرده است. در همین حال، در پاسخ به حملات ۲۲ ژوئن ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای ایران، ایران نیز حمله تلافی‌جویانه ۲۳ ژوئن خود علیه پایگاه هوایی العدید قطر، که میزبان بزرگ‌ترین پایگاه نظامی ایالات‌متحده در خاورمیانه است، را با دقت تنظیم و از پیش اعلام کرد. این حمله از پیش به قطری‌ها اطلاع

که اسرائیل احتمالاً حملات خود علیه ایران را ظرف چندروز به پایان خواهد رساند. نتانیاهو در بیانیه‌ای در ۲۴ ژوئن مدعی شد که اسرائیل پس از دستیابی به اهداف نظامی تعیین‌شده از آغاز حملات ۱۳ ژوئن علیه ایران با پیشنهاد آتش‌بس موافقت کرده است. هرچند به نظر می‌رسد اسرائیل هیچ کدام از این برنامه‌ها را به‌طور

تحلیل
هم‌میهن



سرنوشت نتانیاهو و جنگ‌هایش

نخست‌وزیر اسرائیل با اتکا به تاریخ به‌دنبال رستاخیز سیاسی است

کردند، اما نخست‌وزیر اسرائیل از هرگونه حسابرسی واقعی طفره رفته و هرگونه تحقیق را رد کرده است. در نتیجه در اولین سال پس از حملات، نتایج نظرسنجی‌ها درباره میزان محبوبیت نتانیاهو وحشتناک بود. ناظران سیاسی در سراسر طیف‌های ایدئولوژیک مختلف اسرائیل درباره زمان، نه اینکه آیا نتانیاهو بالاخره از قدرت کنار خواهد رفت، صحبت می‌کردند و بین همه، ژنرال بنی گانتس، نفتالی بنت، نخست‌وزیر سابق یا آویگدور لیبرمن، وزیر دارایی سابق جانشین او خواهند شد. اما با این حال نحوم بارنیا، ستون‌نویس کهنه‌کار سیاسی در اسرائیل در آن زمان به من گفت: «من به مراسم خاکسپاری سیاستمداران می‌روم تا مطمئن شوم خاک می‌شوند. اما بازگشت امکان‌پذیر است.»

و حالا یک روز پس از آنکه دونالد ترامپ در بمباران تسلیحات هسته‌ای ایران به اسرائیل پیوست، نتانیاهو و دایره اطرافیانش روی رستاخیز سیاسی او حساب می‌کنند. فاجعه غزه که در آن ده‌ها هزار نفر کشته شده‌اند و جامعه جهانی آن را محکوم کرده است، به کنار. حملات سیاسی نتانیاهو به نهاده‌ها و هنجارهای دموکراتیک به کنار. دردسرهای قانونی او هم به کنار.

آمیت سیگال، روزنامه‌نگار کانال ۱۲ اسرائیل منبع موثقی در دفتر نخست‌وزیری است و به‌نوعی پیامبر تفکرات نتانیاهو به‌شمار می‌رود. روز یکشنبه کمی پس از آنکه بمب‌افکن‌های B-۲ محموله‌های خود را بر سایت‌های هسته‌ای فردو در اصفهان و نطنز در آنچه عملیات «چکش نیمه‌شب» نام گرفت، انداختند، با سیگال تماس گرفتم. سیگال می‌گوید: «در ۱۲ ماه اول پس از هفتم اکتبر، به‌نظر می‌رسید که این «نبرد گالیپولی» نتانیاهوست، فاجعه‌ای که تقریباً زندگی

حرفه‌ای چرچیل را نابود کرد.» در جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۶ اثتلاف متفقین به رهبری وینستون چرچیل، اولین لرد دریاسالار، شکست بزرگی را در شبه‌جزیره گالیپولی مقابل امپراتوری عثمانی متحمل شدند.

سیگال در ادامه می‌گوید: «این وحشتناک‌ترین لحظه در تاریخ اسرائیل بود و در دولت «آقای امنیت» رقم خورد. این یک رسوایی دیگر نبود. این دلیل وجودی او بود. امروز، پس از سقوط حزب‌الله در لبنان و سقوط اسد در سوریه و سرنوشت حماس و حالا حمله به برنامه هسته‌ای ایران، هفتم اکتبر بیشتر شبیه پرل هاربر است؛ شکستی ویران‌کننده که بعدها با پیروزی کامل به پایان می‌رسد. به‌نظم تاریخ تا ۵۰ سال آینده هفتم اکتبر را در چارچوب جنگ اسرائیل و ایران خواهد دید. اما سوال ضروری‌تر این است که آیا مردم اسرائیل چنین دیدگاهی دارند؟ من مطمئن نیستم. اما قابل‌توجه است. (این جنگ) نتانیاهو را به‌عنوان آقای امنیت احیا کرده است. اما تمام نشده است. با این وجود مردم اینجا حمله اسرائیل و چراغ سبز ایالات‌متحده و ترامپ را به‌عنوان مهم‌ترین دستاورد دیپلماتیک برای اسرائیل از زمانی می‌بینند که سازمان ملل در سال ۱۹۴۷ به موجودیت آن رأی داد.»

روایت سیگال فقط تا جایی اصالت دارد که ظاهراً به‌طور دقیق بازتابی از علاقه وافر، غرور، طرز فکر و حتی زندگی درونی نتانیاهوست. نتانیاهو در کتاب خاطرات خود، همواره ارجاعاتی به چرچیل می‌دهد. زمانی که در دوران اول نخست‌وزیری نتانیاهو با او مصاحبه کردم، سیگارهای عظیمی می‌کشید و پرتره‌ای از چرچیل را در دفترش داشت. در مورد تهران، نتانیاهو سال‌هاست که از توفان‌های سهمگین سخن می‌گوید. «الان سال ۱۹۳۸ است و ایران، آلمان است.» در سال ۲۰۱۱، او به پیرس مورگان مصاحبه‌کننده بریتانیایی می‌گوید: «من وینستون چرچیل را ستایش می‌کنم چون فکر می‌کنم او خطری را که برای تمدن غربی وجود داشت، دید و به‌موقع عمل کرد تا خونریزی را بند آورد.» سیگال به من می‌گوید که در برنامه‌ریزی برای حمله نظامی به